

سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده‌ روابط

دوستانه دختر و پسر

مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

وحید قاسمی*

سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده‌ روابط دوستانه یا صمیمانه دختران و پسران نوعی سنخ‌شناسی فرهنگی است که در رابطه با بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی یا حتی سیاسی کاربرد دارد. روابط متقابل پدیده‌های مختلف اجتماعی باعث می‌شود که سنخ‌شناسی در یک قالب مشخص را بتوان تا حد قابل توجهی به سایر پدیده‌های اجتماعی تعمیم داد و در واقع چارچوبی را برای توصیف و تحلیل این پدیده‌ها و همچنین بررسی روند تحول آن فراهم نمود.

در این مقاله سعی نویسنده بر آن است تا ضمن ارائه یک تیپولوژی یا سنخ‌شناسی، توزیع دانشجویان را در جامعه آماری مورد مطالعه در گونه‌ها یا سنخ‌های تعریف شده مشخص نماید. مقاله حاضر برگرفته از پژوهش پیمایشی است که با عنوان «توصیف و تحلیلی بر روابط دوستانه دانشجویان دختر و پسر» در دانشگاه صنعتی اصفهان طی سالهای ۸۲ و ۸۳ به‌انجام رسیده است.

مفاهیم کلیدی: سنخ‌شناسی، روابط انسانی، رابطه‌ دوستانه دختر و پسر.

*. عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، صص: ۹۰-۱۱۳

مقدمه

روابط دوستانه یا صمیمانه دختران و پسران نوجوان و جوان بدون در نظر گرفتن ابعاد شرعی موضوعی و یا توجه اندک به آن، پدیده‌ای است که عمومیت یافتن و حرکت به سمت هنجار شدن آن را می‌توان با اندکی توجه و دقت نظر در فضای عینی تعامل اجتماعی مشاهده کرد. در حالی که در دهه اول انقلاب که بخش عمده آن همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، پاسداران فرهنگی و اجتماعی به شدت بر نظارت بیرونی بر اینگونه روابط متمرکز بودند در دهه سوم انقلاب به پذیرش ضمنی این واقعیت اجتماعی روی آورده‌اند. واقعیت یا پدیده‌ای که بیشتر می‌توان آن را ناشی از پروسه‌های فرهنگی ناخواسته تلقی کرد تا اینکه پروژه‌های هدفمند در راستای عینیت بخشیدن به چنین پدیده‌ای در کار بوده باشند.

پدیده روابط دوستانه دختران و پسران دانشجویی که با یکدیگر شرعاً محرم نیستند از ابعاد مختلف حائز اهمیت تلقی می‌شود. به لحاظ مذهبی، ظاهراً به نظر می‌رسد که دانشجویان تا حد قابل توجهی حساسیت خود را در برابر انجام یک حرام شرعی از دست داده‌اند. مشاهده دختر و پسر دانشجویی که بدون هیچ رابطه سببی یا نسبی با یکدیگر دست می‌دهند دیگر دور از انتظار نبوده و صحنه عجیبی به نظر نمی‌رسد. آیا این را باید نشانه‌ای از سست شدن پایبندی به قیودات مذهبی تفسیر کرد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، چنین سستی می‌تواند پیامدهای منفی متعددی برای نظام اجتماعی داشته باشد. چرا که قیودات مذهبی همواره سعی در حفظ اصول اخلاقی و سالم نگه داشتن روابط اجتماعی داشته‌اند و عدول از این قیده‌ها می‌تواند به معنی ضعف اصول اخلاقی و احتمالاً افزایش فساد اخلاقی تفسیر شود. و اگر پاسخ به سؤال مذکور منفی است، آیا باید گفت که نگرش دانشجویان به دستورات مذهبی تغییر کرده است، بدون آنکه بخواهیم آنها را به سست شدن در قیودات مذهبی متهم کنیم یا اینکه تفسیر دیگری باید ارائه کرد؟

به لحاظ فرهنگی می‌توان بر پدیده‌های مختلفی نظیر اشاعه فرهنگی، تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی متمرکز شد. چنانچه پدیده مورد مطالعه به عنوان نتیجه‌ای از تهاجم فرهنگی دانسته شود، با توجه به توفیق نسبی چنین تهاجمی (براساس عمومیت یافتن قابل توجه روابط دوستانه دختران و پسران دانشجویی)^۱، این موضوع باید به عنوان ضعف

۱. ۳۷/۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه اظهار کرده‌اند که دارای دوست یا دوستان صمیمی غیرهمجنس هستند.

فرهنگ سازی و ناتوانی از مقاومت فرهنگی تلقی شود که نشان از ناکارآمدی نظام فرهنگی در درون نظام کلان اجتماعی دارد و چنانچه به عنوان نوعی اشاعه فرهنگی تفسیر شود آنگاه باید دید که هنجار شدن پدیده مورد مطالعه به عنوان یک عنصر فرهنگی تا چه حد با سازمان فرهنگ ماهانگی و تطابق دارد و در صورت ناهماهنگی با سایر عناصر موجود در سازمان فرهنگ، چه کارکردهای منفی برای نظام اجتماعی به دنبال خواهد داشت؟

صرف نظر از نوع دیدگاه، به لحاظ مثبت یا منفی ارزیابی کردن پدیده روابط دوستانه دختران و پسران دانشجوی نامحرم، بیشتر باید به آن به عنوان یک واقعیت اجتماعی^۱ نگریسته شود. اینکه آیا به این پدیده باید به عنوان یک واقعیت مرضی نگریسته شود یا آنکه آن را واقعیتی طبیعی قلمداد کرد، در وهله دوم اهمیت قرار دارد. با رویکردهای متفاوت به این پدیده، احتمالاً هر دو نوع تفسیر مرضی یا طبیعی از آن امکان پذیر است. در هر حال رویکردی که در این مطالعه برای تفسیر و تحلیل مورد استفاده قرار می گیرد، باورها و ارزش های جامعه هدف یا دانشجویان است.

طرح مسأله

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را علاوه بر اینکه انقلابی سیاسی می دانند به عنوان انقلاب فرهنگی نیز مورد شناسایی قرار می دهند. انقلابی که سعی در ایجاد باورها و نگرش های جدید در حوزه های مختلف و همچنین اصلاح برخی رفتارهای اجتماعی و جایگزینی آنها با نگرش ها و رفتارهای قبل از آن داشته است. هنجارآوران و فرهنگ سازان پس از انقلاب، بویژه در دهه ۶۰، صرفاً از شیوه ها و ابزارهای کنترل اجتماعی درونی در این راه بهره نبرده و علاوه بر آن به استفاده از ابزارهای کنترل بیرونی نیز روی آوردند. یکی از نگرش ها و رفتارهایی که سعی در هنجار شدن آن وجود داشت، ممنوعیت روابط دوستانه و میان فردی دختران و پسران نامحرم بلوغ یافته بود. مثبت شدن بار ارزشی این نگرش و به تبع آن، عینیت یافتن در رفتارهای جوانان خواستی بود که سازمان های دولتی فرهنگ ساز در سطح خرد و کلان بر آن توافق کرده و در راه فرهنگ سازی آن گام برمی داشتند. بر این اساس در آموزش های رسمی پیش دبستانی، دبستانی و راهنمایی، حتی قبل از بلوغ دختران و پسران، طرح جداسازی اجرا

1. Social Fact

شد تا به این وسیله کودکان و نوجوانان به لحاظ فکری و رفتاری آمادگی ادامه این نوع از نگرش‌ها و رفتارها را در مورد روابط با افراد غیرهمجنس پیدا کنند.

با توجه به مشروعیت هنجارآوران، این نوع نگرش و رفتار توسط مردم نیز پذیرفته و تا حد بسیار زیادی با رضایت خاطر، مطابق با آن رفتار می‌کردند، به نحوی که موارد تخلف از آن را می‌توان بسیار اندک برآورد کرد. موارد تخلفی که فرهنگ عمومی جامعه نیز از آن برآورد کجروی یا انحراف اجتماعی داشت.

اما تغییرات فرهنگی که به تدریج نظام اجتماعی را تحت تأثیر خود قرارداد، بویژه در رفتار افرادی که در پایان دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، دوران نوجوانی و جوانی خود را طی می‌کردند، آشکار گردید. به نظر می‌رسید که این نسل یا کوهورت جمعیتی که پدیده‌های متفاوتی را نسبت به نسل خود تجربه کرده بودند، هماهنگی بالایی با عناصر فرهنگی دهه ۶۰ نداشتند. اکنون ضد ارزش تلقی شدن روابط دختران و پسران جوان نامحرم، همچون گذشته به‌عنوان یک عنصر فرهنگی غالب، ارزیابی نمی‌شود. این تغییر فرهنگی برای نسل انقلابی به راحتی مورد پذیرش قرار نگرفته و نخواهد گرفت و ایشان به این پدیده احتمالاً بیشتر به‌عنوان نوعی استحاله فرهنگی و نتیجه تهاجم فرهنگی غرب نگاه خواهند کرد.

پدیده روابط دوستانه دختران و پسران دانشجو بویژه در فضاهای آموزش در عالی که این امکان به لحاظ اختلاط دو جنس دختر و پسر فراهم‌تر است - آشکارتر خود را نشان داده است. در حالی که به نظر می‌رسد این نوع از روابط در بین اغلب گروه‌های دانشجویی بیشتر به‌عنوان یک عنصر فرهنگی مطلوب ارزیابی می‌شود. برخی از گروه‌های دانشجویی از این پدیده ارزیابی منفی داشته و آن را بیشتر به‌عنوان نوعی کجروی مورد شناسایی قرار می‌دهند. این تفکیک در بین مسئولان فرهنگی دانشگاه‌ها کمتر قابل مشاهده است. مسئولان فرهنگی که خود اغلب از نسل انقلابی بوده و پدیده جنگ و دوران آن را تجربه کرده‌اند، کمتر احتمال دارد که به چنین پدیده‌هایی با دیدگاه مثبت نگاه کرده و احتمال بیشتری دارد که با آن به‌عنوان یک انحراف یا افول ارزشی نگرسته و یا حداقل با دیده ابهام و تردید به آن بنگرند.

در هر حال پیرامون این پدیده در حال حاضر سؤالات متعددی برای مسئولان فرهنگی دانشگاه‌ها و گروه‌های مختلف دانشجویی وجود دارد که هر کدام بنابه دانش و شناخت قبلی، که چه بسا به صورت تصورات قالبی درآمده باشند، برای این سؤالات احتمالاً پاسخهای قانع کننده برای خود دارند. این مقاله نیز در پی آن است که به یک

سؤال اساسی پاسخ دهد، دانشجویان (در محدوده جامعه آماری مورد مطالعه) به لحاظ ابعاد مختلف پیرامون پدیده روابط دوستانه دختر و پسر شامل کدام سنخ‌ها یا گونه‌ها می‌شوند؟ هر سنخ دارای کدام ویژگی‌هاست و هر یک از این سنخ‌ها چه نسبتی از دانشجویان را به خود اختصاص می‌دهند؟

تعریف مفاهیم

سنخ‌ها و سنخ‌شناسی^۱

مرکز تحقیقاتی PEW^۲ (۱۹۹۱) سنخ را به‌عنوان گروه‌های هم‌گرا تعریف کرده است. بر این اساس می‌توان اظهار داشت افرادی که به‌لحاظ ذهنی یا عینی و براساس معیاری ویژه به یک سنخ خاص تعلق دارند نسبت به سایر اعضای همان سنخ دارای احساس همگرایی و به اعضای سایر سنخ‌ها دارای احساس واگرایی هستند. معیارهای متنوعی را به‌لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... می‌توان در نظر گرفت و براساس آن به سنخ‌شناسی افراد در نظام‌های مختلف اجتماعی دست زد. به‌عنوان مثال ممکن است به‌لحاظ معیار دین‌داری به سنخ‌هایی نظیر متعصب، متساهل و بی‌قید و یا به‌لحاظ مشارکت سیاسی به سنخ‌هایی نظیر منزوی، بی‌تفاوت، تماشاگر و فعال اشاره کرد.

مجموعه افراد مرتبط با یک سنخ یا گونه لزوماً گروه اجتماعی تلقی نمی‌شوند. چرا که ضرورتاً بین آنها تعامل اجتماعی واقعی یا مجازی برقرار نیست. هر چند به‌لحاظ بین ذهنی به یکدیگر پیوند دارند، اما مطمئناً این افراد به‌طور بالقوه آمادگی بیشتر برای تشکیل یک گروه اجتماعی را دارا بوده و احتمال کمی وجود دارد که افراد یک سنخ با سنخ دیگر ترکیب و تشکیل یک گروه اجتماعی واحد دهند.

کریس پاچن^۳ سنخ‌شناسی را اینگونه تعریف می‌کند: «سنخ‌شناسی به‌طور ساده نظام گروه‌بندی است که می‌تواند به سنخ‌ها ارجاع داده شود. اعضای هر سنخ دارای صفاتی هستند که آنها را به همدیگر ربط می‌دهد و ایشان را از اعضای سایر سنخ‌ها جدا می‌سازد» (پاچن، ۱۹۹۷: ۲). به‌لحاظ عملی نیز می‌توان سنخ‌شناسی را تهیه ماتریس یا

1. Types and Typology
2. The Pew Research Center for the People and the Press
3. Chris Padjen

جدول دو بعدی دانست که در یک بعد آن سنخ‌ها و در بعد دیگر صفات یا متغیرها نوشته می‌شوند. در هر یک از سلول‌های ایجاد شده ویژگی‌های هر یک از سنخ‌ها در رابطه با هر یک از صفات یا متغیرها مشخص می‌شوند.

روابط انسانی: اهمیت و انواع

نظام کلان اجتماعی از تعامل یا روابط متقابل خرده نظام‌های اجتماعی تشکیل دهنده نهاد‌های پنج‌گانه سیاست، دین، اقتصاد، آموزش و خانواده هویت می‌یابد. خرده نظام‌ها در قالب گروه‌های اولیه و ثانویه موجودیت می‌یابند. افراد انسانی مهمترین عناصر تشکیل دهنده این گروه‌ها هستند که با تعامل مبتنی بر قرارداد یا مبتنی بر صمیمیت و دوستی این گروه‌ها را ساخت داده‌اند. روابط متقابل اجتماعی ساخت دهنده خردترین نظام‌های اجتماعی تا کلان‌ترین آنها هستند. در یک گروه دوستی یا خانواده تازه تشکیل یافته تا نظم تعریف شده نوین برای جهان کنونی، روابط بین عناصر مختلف، و از همه مهمتر روابط بین عناصر انسانی قابل مشاهده است.

ارتباطات به لحاظ متغیرهای مختلف، به انواع یا گونه‌های مختلفی قابل طبقه‌بندی است. معیار تعداد افراد درگیر در فرآیند ارتباطی یکی از مهمترین معیارهایی است که می‌توان به آن توجه کرد. محسنیان راد (۱۳۸۰) در اثر خود به نام ارتباط‌شناسی را بر مبنای تقسیم‌بندی سه‌گانه ارتباطات میان فردی، گروهی و جمعی سازماندهی کرده است. علی اکبر فرهنگی (۱۳۸۲) نیز به ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط جمعی یا عمومی توجه کرده است. به این لحاظ می‌توان انواعی از ارتباط نظیر ارتباط با خود، ارتباط میان فردی، ارتباط میان گروهی و یا ارتباط جمعی را تشخیص داد.

مجید محمدی رابطه میان فردی را چنین تعریف می‌کند: «رابطه میان فردی به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در آن دو رابطه‌گیرنده عن قصد دیگری را مورد خطاب قرار می‌دهند. در این حال هر دو هم فاعل شناسایی و هم مفعول شناسایی هستند، کنش‌های هر دو چشم‌اندازهای دیگری را فرض می‌گیرند. و اما چه چیزی این ارتباط را میان فردی می‌کند: ارتباط چهره به چهره به خاطر دسترسی افراد به پیام‌های بصری، سمعی و لسانی، موقعیت‌های غیرساختی، غیررسمی و خود بخودی، تعداد اندک ارتباط گیرندگان، قرب رابطه یا روابط دوستانه که خودمانی‌تر از روابط میان نقش‌هاست و انتظار پیامدهای روانشناختی به‌جای پیامدهای جامعه‌شناختی» (محمدی، ۱۳۸۲: ۳۱)

ارتباط میان فردی نیز خود می‌تواند به انواع مختلفی تقسیم شود. براساس هدف

مقاله حاضر می‌توان ارتباط میان افراد هم‌جنس یا ارتباط میان افراد با جنس مخالف را از یکدیگر تمیز داد. ارتباطات میان فردی بین دو جنس مخالف نیز گونه‌های متفاوتی را شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان به روابط خواهر و برادر، زن و شوهر، دختر و پسر پیش از عقد محرومیت و دختر و پسر پس از عقد محرمیت را نام برد. نوع اخیر نیز کیفیت‌های مختلفی می‌یابد. رابطه دختران و پسران دانشجوی در کلاس‌های درس دانشگاهی، اردوهای دانشگاهی، تشکلهای دانشجویی و یا رابطه دختران و پسران دانشجو به‌عنوان نوعی دوستی صمیمانه که به خارج از فضاهای دانشجویی و دانشگاه نیز گسترش می‌یابد، از انواع این رابطه‌هاست.

ویژگی‌های نوع اخیر این است که دانشجوی دختر و پسر نه در نقش دانشجویی خود (که در این نقش می‌توان به تعاملات دانشجویان دختر و پسر در انجمن‌های علمی، انجمن‌های سیاسی یا فرهنگی، کلاس درس و ... اشاره کرد) که در نقش دو فرد خواهان ابراز احساس علاقه و دوستی یا عشق به یکدیگر، باهم پیوند خورده و اغلب به‌صورت گروه‌های دو نفره و گاه نیز به شکل گروه‌های بزرگتر ساخت می‌یابند.

روش تحقیق

روش تحقیق اجرا شده، پیمایش است. ماهیت موضوع و گستردگی جامعه آماری مورد مطالعه دو دلیل عمده‌ای هستند که منجر به اتخاذ این روش به‌عنوان روش مطالعه شده است. به لحاظ معیار زمان و ژرفایی، تحقیق حاضر را می‌توان از نوع مقطعی و پهنانگر دانست. انتظار نمی‌رود که این تحقیق بار دیگر و در فاصله زمانی مشخص تکرار شود. همچنین تعداد واحدهای نمونه نسبتاً زیاد (۳۶۰ نفر) و وقت صرف شده نسبتاً کم برای هر واحد نمونه (به‌طور متوسط هر واحد ۳۰ دقیقه) است. با این حال با توجه به شیوه مطالعه و در نظر گرفتن کلیه ابعادی که در مطالعات اکتشافی از طرف دانشجویان به آنها توجه خاص شده است، می‌توان گفت این مطالعه به یک مطالعه نیمه ژرفایی نزدیک شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه صنعتی اصفهان طی سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ بوده است. تعداد کل این دانشجویان برابر با ۶۲۶۸ نفر می‌باشد. به منظور برآورد حجم نمونه، پس از نهایی شدن ابزار گردآوری داده‌ها، یک نمونه سهمیه‌ای ۳۲ نفری براساس سه متغیر جنس، مقطع و رشته تحصیلی از دانشجویان اخذ و داده‌های مورد نیاز برای برآورد پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه

به منظور برآورد حجم مطلوب نمونه گردآوری شد. سطح اطمینان مورد نظر برای قضاوت درباره جامعه آماری براساس اطلاعات به دست آمده از نمونه برابر با ۹۵٪ و فاصله اطمینان در نظر گرفته شده برای برآورد نسبتها در جامعه آماری برابر با ۵٪ بوده است. در نهایت براساس بیشترین پراکندگی (متغیر حدود رابطه دختر و پسر) حجم مطلوب نمونه برابر با ۳۶۰ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری مورد استفاده سهمیه‌ای بوده است. سهمیه‌ها براساس دو متغیر جنس و رشته تحصیلی تعیین شده است. توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب جنس و رشته تحصیلی به شرح جدول (۱) است.

ابزار گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، پرسشنامه بوده است. طراحی پرسشنامه طی یک روند نسبتاً طولانی به انجام رسیده است. این روند شامل مراحل زیر بوده است.

● هماهنگی اعضای اصلی گروه تحقیق با گروه‌های ۵ تا ۱۰ نفره دانشجویی به منظور

تشکیل گروه‌های گفتگو

● نشست اعضای اصلی گروه تحقیق با گروه‌های دانشجویی (۴ گروه از دانشجویان

پسر و ۴ گروه از دانشجویان دختر) و انجام گفت‌وگوی رو در رو براساس سؤالات باز و تا حدی کلی از پیش طراحی شده به مدت طولانی و حداقل ۴ ساعت و ضبط یا یادداشت

مطالب طرح شده به‌طور تفصیلی؛

● پیاده کردن نوارهای گفتگوی ضبط شده بر روی کاغذ؛

● مرور چند باره گفتگوها و تجزیه و گروه‌بندی مطالب طرح شده؛

● تبدیل مطالب طرح شده به سؤال یا گویه؛

● مرور گویه‌ها و سؤالات طرح شده به منظور پالایش و انتخاب گویه‌ها و سؤالات

غیرتکراری؛

● قرار دادن گویه‌ها و سؤالات گزینش شده در قالب پرسشنامه؛

● اجرای مقدماتی پرسشنامه در بین برخی از دانشجویان با هدف اصلاح جملات،

گویه‌ها و سؤالات، حذف یا اضافه کردن برخی موارد؛

● تعیین روایی صوری پرسشنامه توسط کارشناسان و صاحب نظران، براساس

تطبيق اهداف و سؤالات تحقیق با سؤالات و گویه‌های پرسشنامه و اطمینان از قابل قبول

بودن گویه‌های طرح شده برای هر یک از ابعاد مطالعه؛

● اجرای پرسشنامه در بین ۳۲ نفر از دانشجویان انتخاب شده به منظور تعیین پایایی

و برآورد پراکندگی متغیرهای گوناگون اندازه‌گیری شده بوسیله ابزار گردآوری داده‌ها؛

● نهایی ساختن پرسشنامه با حذف برخی از گویه‌هایی که منجر به افت پایایی برخی

از ابعاد پرسشنامه بودند.

جدول شماره ۱. توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب جنس و رشته تحصیلی

		جنس		مجموع
		مرد	زن	
عمران	تعداد	۱۶	۹	۲۵
	درصد سطری	%۶۴	%۳۶	%۱۰۰
	درصد ستونی	۸	۷/۵	۹/۶
مکانیک	تعداد	۳۰	۹	۳۹
	درصد سطری	%۷۶/۹	%۲۳/۱	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۱۴/۹	%۵/۷	%۱۰/۸
مهندسی مواد	تعداد	۱۹	۴	۲۳
	درصد سطری	%۸۲/۶	%۱۷/۴	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۹/۵	%۲/۵	۴/۶
برق	تعداد	۲۹	۷	۳۶
	درصد سطری	%۸۰/۶	%۱۹/۴	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۱۴/۴	%۴/۴	%۱۰
صنایع	تعداد	۱۰	۷	۱۷
	درصد سطری	%۵۸/۸	%۴۱/۲	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۵	%۴/۴	۷/۴
فیزیک	تعداد	۹	۷	۱۶
	درصد سطری	%۵۶/۳	%۴۳/۸	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۴/۵	%۴/۴	۴/۴
شیمی	تعداد	۲۶	۱۴	۴۰
	درصد سطری	%۶۵	%۳۵	%۱۰۰
	درصد ستونی	%۱۲/۹	%۸/۸	۱۱/۱

نساجی	تعداد	۵	۱۲	۱۷
	درصد سطری	٪۲۹/۴	٪۷۰/۶	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۲/۵	٪۷/۵	٪۴/۷
ریاضی و آمار	تعداد	۵	۱۱	۱۶
	درصد سطری	٪۳۱/۳	٪۶۸/۸	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۲/۵	٪۶/۹	٪۴/۴
کامپیوتر	تعداد	۱۳	۱۱	۲۴
	درصد سطری	٪۵۴/۲	٪۴۵/۸	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۶/۵	٪۶/۹	٪۶/۷
مهندسی کشاورزی	تعداد	۱۸	۴۸	۶۶
	درصد سطری	٪۲۷/۳	٪۷۲/۷	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۹	٪۳۰/۲	٪۱۸/۳
منابع طبیعی	تعداد	۱۱	۱۶	۲۷
	درصد سطری	٪۴۰/۷	٪۵۹/۳	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۵/۵	٪۱۰/۱	٪۷/۵
معادن	تعداد	۱۰	۴	۱۴
	درصد سطری	٪۷۱/۴	٪۲۸/۶	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۵	٪۲/۵	٪۳/۹
مجموع	تعداد	۲۰۱	۱۵۹	۳۶۰
	درصد سطری	٪۵۵/۸	٪۴۴/۲	٪۱۰۰
	درصد ستونی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

به منظور تعیین روایی ابزار گردآوری داده‌ها از تکنیک روایی صوری استفاده شده است. به منظور تعیین پایایی ابزار سنجش نیز با توجه به ابعاد فرعی طرح شده در پرسشنامه، برای هر یک از ابعاد با استفاده از روش هماهنگی درونی گویه‌ها و تکنیک ضریب آلفای کرباخ بهره گرفته شده است. قبل از اجرای نهایی پرسشنامه و براساس

یک نمونه ۳۲ نفری سهمیه‌ای از جامعه آماری مورد مطالعه، ضریب پایایی برای هر یک از ابعاد پرسشنامه به شرح جدول زیر محاسبه شده است:

جدول شماره ۲. برآورد پایایی ابعاد مختلف پرسشنامه براساس روش همبستگی درونی گویه‌ها

ضریب آلفای کرباخ	تعداد گویه	ابعاد فرعی پرسشنامه
۰/۸۱۱	۸	نگرش به روابط دختر و پسر
۰/۷۷۶	۶	ریشه ایجاد روابط بین دانشجویان دختر و پسر
۰/۸۹۱	۶	توصیف روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه صنعتی
۰/۷۰۸	۴	پیش نیازهای رابطه
۰/۷۵۹	۶	اهداف و انگیزه‌ها در برقراری رابطه با جنس مخالف
۰/۷۲۱	۸	پیام‌های روابط دانشجویان دختر و پسر
۰/۸۸۷	۴	نظارت رسمی بر روابط دانشجویان دختر و پسر
۰/۶۵۸	۵	حدود رابطه دانشجویان دختر و پسر
۰/۷۳۳	۸	رابطه دختر و پسر و ابعاد دینی آن از نظر دانشجویان
۰/۸۶۴	۴	تفاوت‌های دختر و پسر در برقراری رابطه
۰/۷۱۳	۸	نگرش به اردوها و فعالیت‌های علمی مشترک

تیپولوژی یا سنخ شناسی دانشجویان

الف. روش مورد استفاده

دانشجویان را به لحاظ متغیرهای مختلف می‌توان به تیپ‌ها یا سنخ‌های مختلف تقسیم کرد. افراد منتسب به هر تیپ به لحاظ ویژگی‌های متعدد در رابطه با پدیده مورد نظر به یکدیگر شباهت یا نزدیکی دارند. به نحوی که می‌توان گفت آنان بیشتر با یکدیگر اتفاق نظر دارند تا اختلاف نظر. همچنین افراد متعلق به یک تیپ علاوه بر شباهت‌های نظری یا نگرشی، به لحاظ رفتاری نیز دارای الگوهای هستند که به لحاظ ماهیتی تفاوتی با یکدیگر نداشته و در ظاهر نیز تا حد زیادی یکسان یا مشابه‌اند. با توجه

به شیوه‌های نگرشی و رفتاری یکسان هر تیپ و تفاوت‌های قابل توجه هر تیپ با تیپ دیگر، می‌توان هر تیپ را به‌عنوان یک خرده فرهنگ تعریف کرد و یا حداقل آنان را یک شبه خرده فرهنگ دانست.

به‌منظور تیپ بندی یا سنخ شناسی افراد مورد مطالعه ابزار مورد استفاده یک ماتریس است که در سطر آن متغیرها و در ستون تیپ‌ها قرار گرفته و در هر سلول وضعیت هر تیپ در رابطه با هر متغیر تعیین می‌شود. متغیرهایی می‌توانند در تجزیه و تحلیل تیپولوژیک مشارکت کنند که دارای همبستگی قوی یا نسبتاً قوی در جهت مثبت یا منفی با یکدیگر باشند. متغیرهای دارای همبستگی ضعیف، تیپولوژی را خدشه دار یا غیرممکن می‌سازند. در مرتبه اول هیجده متغیر (به شرح جدول ۳) به‌عنوان متغیرهایی که می‌توان براساس آن تیپ‌های دانشجویان را تعریف کرد، انتخاب شدند.

جدول شماره ۳. متغیرهای اولیه در نظر گرفته شده برای تیپولوژی یا

سنخ شناسی دانشجویان

ردیف	متغیر	ردیف	متغیر	ردیف	متغیر
۱	نگرش به روابط دختر و پسر	۷	نگرش به روابط دو نفره	۱۳	قبول عادی سازی روابط از کودکی
۲	اهمیت عوامل فردی در رابطه	۸	نگرش به روابط منطقی	۱۴	موافقت با شرعی بودن رابطه
۳	اهمیت عوامل اجتماعی در رابطه	۹	موافقت با روابط آشکار	۱۵	مخالفت با رابطه به دلیل روایات
۴	توصیف روابط در حال حاضر	۱۰	موافقت با دوستی بدون هوس	۱۶	عمل به احکام علما و محدودیت
۵	اهداف و انگیزه‌ها از رابطه	۱۱	نگرش به اعمال نظارت رسمی	۱۷	نگرش به اردوهای مختلط
۶	نگرش به پیامدهای رابطه	۱۲	نگرش به حدود رابطه	۱۸	نگرش به فعالیت‌های مشترک

جدول شماره ۳. ماتریس همبستگی برای نه متغیر مورد استفاده برای تیپولوژی یا سنخ شناسی دانشجویان

ضرب همبستگی نگرش به روابط دختر و پسر	نگرش به روابط دختر و پسر	تاکید بر اهمیت مولف فردی به عنوان ریشه رابطه	نگرش به پیامدهای رابطه	موافقت یا مخالفت با آشکار	موافقت یا مخالفت با اعمال نظراتهای رسمی	نگرش به حدود رابطه	نگرش به محدود سازی روابط از کودکی	موافقت یا مخالفت با محاکم علما	نگرش به اردوهای مختلط
سطح معناداری	۱/۰۰۰	۰/۵۶۷*	۰/۶۰۲*	۰/۵۱۹*	۰/۵۴۴*	۰/۵۵۵*	۰/۵۱۷*	۰/۴۴۵*	۰/۴۸۳*
ضرب همبستگی	۰/۵۶۷*	۱/۰۰۰	۰/۴۵۱*	۰/۳۹۵*	۰/۶۱۵*	۰/۲۹۵*	۰/۳۳۶*	۰/۳۵۸*	۰/۳۸۷*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۶۰۲*	۰/۴۵۱*	۱/۰۰۰	۰/۴۶۹*	۰/۴۶۳*	۰/۴۶۸*	۰/۴۰۲*	۰/۳۷۶*	۰/۴۶۲*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۵۱۹*	۰/۳۹۵*	۰/۴۶۹*	۱/۰۰۰	۰/۶۰۹*	۰/۳۹۱*	۰/۳۹۶*	۰/۴۶۹*	۰/۵۲۹*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۵۴۴*	۰/۴۱۵*	۰/۴۶۳*	۰/۶۰۹*	۱/۰۰۰	۰/۴۰۸*	۰/۶۱۲*	۰/۵۵۸*	۰/۴۹۸*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۵۵۵*	۰/۴۶۹*	۰/۴۶۸*	۰/۳۹۱*	۰/۴۰۸*	۱/۰۰۰	۰/۳۷۷*	۰/۳۳۴*	۰/۴۹۶*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۵۱۷*	۰/۳۳۶*	۰/۴۶۲*	۰/۳۹۵*	۰/۶۱۵*	۰/۲۹۵*	۱/۰۰۰	۰/۳۴۹*	۰/۴۷۰*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۴۴۵*	۰/۳۵۸*	۰/۴۶۲*	۰/۳۳۶*	۰/۵۵۸*	۰/۳۳۴*	۰/۳۳۴*	۱/۰۰۰	۰/۳۸۳*
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
ضرب همبستگی	۰/۴۸۳*	۰/۳۸۷*	۰/۴۶۲*	۰/۵۲۹*	۰/۴۹۸*	۰/۳۹۶*	۰/۴۷۰*	۰/۳۸۳*	۱/۰۰۰
سطح معناداری	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰

* ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

محاسبه ضرایب در مرحله اول نشان داد که رابطه بین کلیه متغیرهای انتخاب شده به لحاظ آماری با سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد معنادار است.^۱ با وجود معناداری کلیه ضرایب، با توجه به مقدار ضریب همبستگی، شدت رابطه متوسط یا ضعیف برآورد شد. با مقایسه ضرایب محاسبه شده در نهایت تنها متغیرهایی انتخاب شدند که مقدار ضریب همبستگی آن با سایر متغیرها حداقل ۰/۳۰ در جهت مثبت یا منفی باشد. متغیرهای انتخاب شده و ماتریس همبستگی مربوط در جدول شماره (۴) منعکس شده است.

جدول شماره ۵. تیپهای تعریف شده در بین دانشجویان با توجه به پدیده فرهنگی رابطه دوستانه دختر و پسر قبل از ازدواج و نحوه نمره دهی به هر یک از دیدگاهها و نگرشها

ردیف	متغیر	تیپهای تعریف شده [#]		
		سنت‌گرایان	سنت‌گرایان نو	نوگرایان
۱	نگرش به روابط دختر و پسر	منفی ۱	میانه یا نزدیک به آن ۲	مثبت ۳
۲	تأکید بر اهمیت عوامل فردی به عنوان ریشه رابطه	ضعیف ۱	متوسط ۲	قوی ۳
۳	نگرش به پیامدهای رابطه	منفی ۱	میانه یا نزدیک به آن ۲	مثبت ۳
۴	موافقت یا مخالفت با روابط علنی و آشکار	مخالفت ۱	موافق یا مخالف مشروط ۲	موافقت ۳

۱. با توجه به اینکه متغیرهای مورد مطالعه عمدتاً از طریق طیف لیکرت و براساس نمره حاصل از مجموعه‌ای از گویه‌ها سنجش شده‌اند، سطح سنجش متغیرها فاصله‌ای در نظر گرفته شده و از ضریب همبستگی پیروسون برای تعیین شدت و جهت رابطه متغیرها استفاده شده است. با توجه به دیدگاههای مختلف و متضادی که در این رابطه وجود دارد، برخی منابع نظیر وولف (۲۰۰۱)، دیوید ریکه (۱۹۹۹)، مری بنت (۲۰۰۰)، جیسون نیوسام (۱۹۹۵) و ماریون جوپه (۱۹۹۹) معرفی می‌شوند.

ادامه جدول شماره (۵)

مخالفت ۳	موافق یا مخالف مشروط ۲	موافقت ۱	موافقت یا مخالفت یا اعمال نظارت‌های رسمی	۵
نامحدود یا تقریباً نامحدود ۳	حد وسط ۲	محدود یا بسیار محدود ۱	نگرش به حدود رابطه	۶
موافقت ۴	موافق یا مخالف مشروط ۲-۳	مخالفت ۱	موافقت یا مخالفت با عادی سازی رابطه از کودکی	۷
موافقت ۴	موافق یا مخالف مشروط ۲-۳	مخالفت ۱	موافقت یا مخالفت با محدودیت در اثر اجرای احکام علما	۸
مثبت ۳	میانه ۲	منفی ۱	نگرش به اردهای مختلط	۹
۳۰	۱۸-۲۱	۹	مجموع نمره هر گروه	

با توجه به ۹ متغیر انتخاب شده، تیپها به شرح جدول شماره (۵) تعریف شدند. براساس شیوه نمره گذاری هر یک از حالات، فردی که نمره ۹ اخذ کند به عنوان سنت‌گراترین فرد و فردی که نمره ۳۰ اخذ کند به عنوان نوگراترین فرد شناخته می‌شود. به عبارت دیگر طیف تعریف شده دارای حداقل مقدار ۹ (سنت‌گرای افراطی) و حداکثر

* اصطلاحات سنت‌گرا و یا نوگرا مفاهیمی جامعه شناختی و بدون بار ارزشی‌اند. سنت‌گرا و نوگرا لزوماً دارای بار ارزشی منفی یا مثبت نیستند. نوگرا در قالب گفت‌وگو مدرن، به فردی اطلاق می‌شود که دیدگاه‌های نظری و رفتارهای عملی وی، در رابطه با پدیده مورد مطالعه، به عناصر مدرنیته نظیر آزادیخواهی (لیبرالیسم)، فردگرایی (ایندیویدوالیسم)، عرف‌گرایی (سکولاریزم) و مانند آن نزدیک شده است.

مقدار ۳۰ (نوگرای افراطی) است.

ب. توزیع دانشجویان براساس تیپولوژی تعریف شده

به منظور تعیین توزیع فراوانی سه تیپ تعریف شده در بین دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان براساس نمونه مورد مطالعه، گروه‌بندی زیر انجام شد:

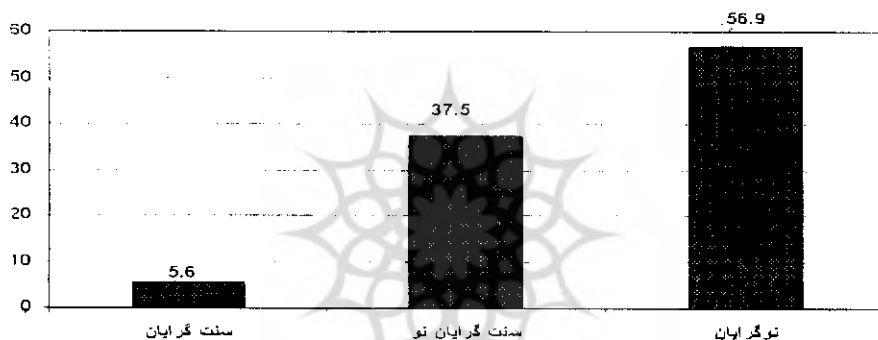
۱) افرادی که دارای مجموع نمره حداقل ۹ تا حداکثر ۱۵ بوده‌اند، به عنوان سنت‌گرا، گروه‌بندی شده‌اند. ۲) افرادی که دارای نمره حداقل ۱۶ تا حداکثر ۲۳ بوده‌اند، به عنوان سنت‌گرای نو، گروه‌بندی شده‌اند. ۳) افرادی که دارای مجموع نمره حداقل ۲۴ تا حداکثر ۳۰ بوده‌اند، به عنوان نوگرا، گروه‌بندی شده‌اند.

توزیع فراوانی دانشجویان براساس گروه‌بندی فوق نشان می‌دهد که اکثریت دانشجویان برابر با ۵۶/۹ درصد آنان را می‌توان در گروه نوگرایان دانست. گروهی که دارای نگرش مثبت به روابط دختر و پسر بوده، بر عوامل فردی به عنوان ریشه‌های ایجاد رابطه تأکید بسیار دارند (در برابر عوامل اجتماعی نظیر نفوذ فرهنگ غرب)، پیامدهای رابطه را بیشتر مثبت می‌دانند، با روابط آشکار و علنی دانشجویان دختر و پسر موافقت، اعمال نظارت‌های رسمی بر روابط دوستانه و یا صمیمانه دانشجویان دختر و پسر را رد می‌کنند، در رابطه با حدود رابطه عمدتاً موافق با روابط نامحدود یا تقریباً نامحدود (منظور از تقریباً نامحدود شامل هر نوع رابطه به استثنای روابط جنسی است) هستند، عادی‌سازی روابط از دوران کودکی را پیشنهاد می‌کنند، معتقدند که پذیرفتن احکام علما برای آنان محدودیت بسیار ایجاد و احتمالاً زندگی را به آنان سخت می‌کند و نسبت به اردوهای مختلط دانشجویی دید مثبت یا بسیار مثبتی دارند.

در برابر گروه یاد شده سنت‌گرایان قرار دارند که ۵/۶ درصد از کل دانشجویان را شامل می‌شوند. این گروه افرادی هستند که به روابط دوستانه و صمیمانه دختر و پسر اصولاً نگاه یا نگرش منفی دارند، به عوامل فردی به عنوان ریشه‌های رابطه اهمیت کمی می‌دهند و آن را بیشتر ناشی از غربی شدن فرهنگی قلمداد می‌کنند، پیامدهای ایجاد رابطه را عمدتاً منفی برآورد می‌کنند، با روابط آشکار دختر و پسر مخالفند و در صورت وجود، پنهان بودن آن را بهتر از علنی شدن آن می‌دانند، با اعمال نظارت‌های رسمی در قالب‌های مختلف عمدتاً موافق هستند و آن را یکی از راههای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب و ایجاد رابطه صمیمانه و دوستانه دختر و پسر می‌دانند، رابطه دختر و پسر را به‌طور کلی رد نمی‌کنند و روابط را در حد محدود یا بسیار محدود و در حد ضرورت بلااشکال می‌دانند، اعتقادی به عادی‌سازی روابط و دوستی دختر و پسر از کودکی با

هدف عادی شدن آن در دوران نوجوانی و جوانی ندارند، عمل به احکام علما را برای خود به عنوان سخت شدن زندگی تلقی نمی‌کنند و نگرشی منفی به برگزاری اردوهای مختلط دانشجویی دارند.

سنت‌گرایان نو افرادی هستند که در مقایسه با دو گروهی که به طور مشخص می‌توان آنان را سنت‌گرایان یا نوگرایان نامید، میانه حال بوده و در اغلب موارد دارای دیدگاه‌های افراطی به هیچ کدام از دو سوی طیف طرح شده برای تیپولوژی یا سنخ‌شناسی دانشجویان ندارند و اغلب به حد وسط آن نزدیک هستند. این گروه ۳۷/۵ درصد از دانشجویان را شامل می‌شوند.



نمودار شماره ۱. توزیع دانشجویان برحسب تیپ‌های سه گانه سنت‌گرا، سنت‌گرای نو و نوگرا

نمودار شماره (۱)، توزیع دانشجویان برحسب نمرات خام اخذ شده از مجموع ۹ متغیر دخالت داده شده در تعریف تیپ‌های سه گانه، نیز نکات قابل توجهی را نشان می‌دهد:

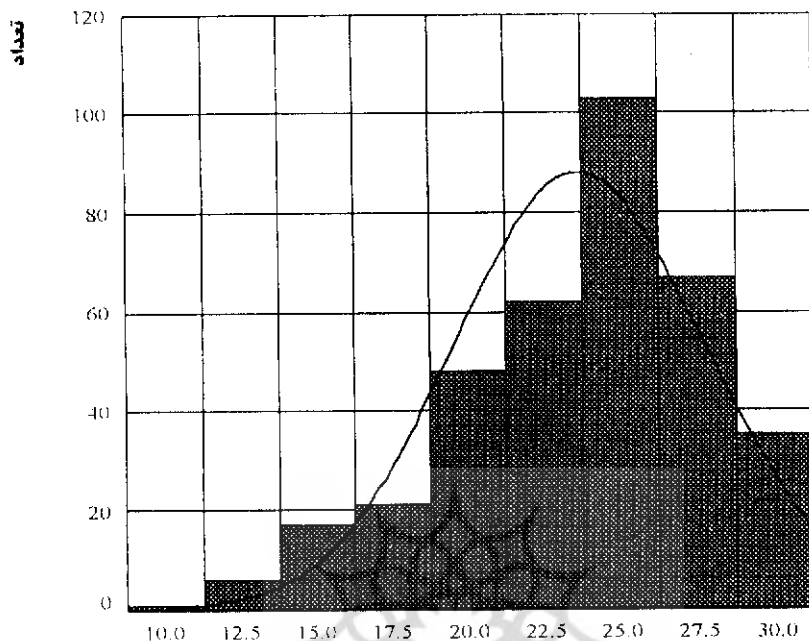
- مد توزیع برابر با مقدار ۲۵ است. در اینجا معنی چنین مقداری آن است که می‌توان گفت اکثریت دانشجویان را باید نوگرایان معتدل دانست نه نوگرایان افراطی
- نوگرایان افراطی (افرادی که نمراتی برابر با ۲۸، ۲۹ یا ۳۰ اخذ کرده‌اند) حدود ۱۷ درصد از کل دانشجویان را شامل می‌شوند.
- درصد نوگرایان افراطی در برابر سنت‌گرایان افراطی (افرادی که نمراتی برابر ۹، ۱۰، ۱۱ یا ۱۲ اخذ کرده‌اند) بسیار بیشتر است. افرادی که بتوان آنان را سنت‌گرای

افراطی نامید، کمتر از ۱ درصد دانشجویان را شامل می‌شوند (۰/۶ درصد). به‌لحاظ اهمیت نمرات محاسبه شده برای تیپ‌بندی دانشجویان جدول توزیع فراوانی آن به‌طور کامل ارائه شده است.

جدول شماره ۶. توزیع دانشجویان براساس مجموع نمره اخذ شده از طیف تعریف

تیپ‌های سه‌گانه

تیپ	مجموع نمره	تعداد	درصد	جمع تعداد	جمع درصد
سنت‌گرایان	۹	۰	۰	۲۰	۰/۵/۶
	۱۰	۰	۰		
	۱۱	۱	۰/۳		
	۱۲	۱	۰/۳		
	۱۳	۵	۱/۴		
	۱۴	۷	۱/۹		
	۱۵	۶	۱/۷		
سنت‌گرایان نو	۱۶	۴	۱/۱	۱۳۵	۰/۳۷/۵
	۱۷	۸	۲/۲		
	۱۸	۱۳	۳/۶		
	۱۹	۸	۲/۲		
	۲۰	۱۵	۴/۲		
	۲۱	۲۵	۶/۹		
	۲۲	۳۰	۸/۳		
	۲۳	۳۲	۸/۹		
نوگرایان	۲۴	۳۹	۱۰/۸	۲۰۵	۰/۵۶/۹
	۲۵	۳۹	۱۰/۸		
	۲۶	۲۵	۶/۹		
	۲۷	۳۹	۱۰/۸		
	۲۸	۲۸	۷/۸		
	۲۹	۲۱	۵/۸		
	۳۰	۱۴	۳/۹		
مجموع		۳۶۰	۱۰۰	۳۶۰	۱۰۰



نمودار شماره ۲. توزیع دانشجویان براساس مجموع نمره اخذ شده از طیف تعریف تیپ‌های سه گانه

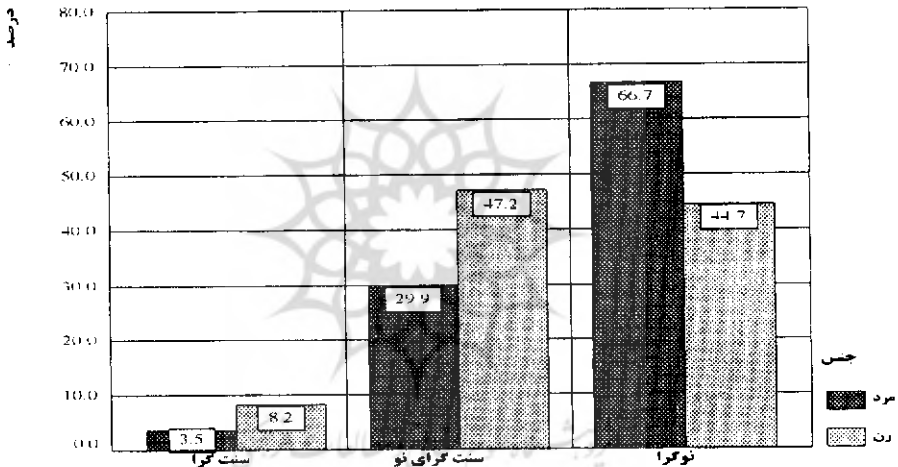
ج. مقایسه تیپولوژیک دانشجویان دختر و پسر

جنسیت به عنوان یک متغیر جامعه شناختی و نه زیست شناختی، عامل مهمی در تفاوت‌های فرهنگی (نگرشی و رفتاری) است. به عبارت دیگر تفاوت در باورها، ارزش‌ها و رفتارهای یاد داده شده به دختران و پسران در طی دوران اجتماعی شدن و بویژه اولین سال‌های زندگی، نقش مهمی در ایجاد تفاوت‌های جنسیتی به لحاظ متغیرهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... آن دارد. مقایسه تیپولوژیک دانشجویان دختر و پسر تفاوت‌های قابل توجهی را بین این دو گروه دانشجویی نشان می‌دهد:

- درصد دانشجویان دختر و پسر که در هر یک از تیپ‌ها گروه بندی شده‌اند به طور معنی داری با یکدیگر متفاوتند. درصد دانشجویان دختر در تیپ سنت‌گرا بیش از دو برابر درصد دانشجویان پسر است.

● هر چند در کل دانشجویان، درصد دانشجویان نوگرایان بیشتر از سایر تیپ‌هاست اما این نکته در رابطه با دانشجویان دختر صادق نیست. در بین دانشجویان دختر سنت‌گرایان نو در مرتبه اول قرار گرفته‌اند و نوگرایان (هر چند با تفاوت تقریباً ۳ درصدی) در مرتبه دوم قرار دارند.

● نوگرایی مطابق با تعریف صورت گرفته از این متغیر، در بین دانشجویان پسر به‌طور قویتر و واضح‌تری قابل مشاهده است، به نحوی که می‌توان از هر ۳ دانشجوی پسر دو نفر را نوگرا دانست.



نمودار شماره ۳. مقایسه توزیع دانشجویان دختر و پسر گروه‌بندی شده در تیپ‌های سه‌گانه

نتیجه‌گیری

کلی‌ترین نتیجه‌ای که از مجموع اطلاعات ارائه شده حاصل آمد، وجود نوعی تغییر فرهنگی در مقایسه با دهه ۶۰ است که بخش مهمی از این تغییرات، به احتمال زیاد، از نظر مسؤولان و برنامه‌ریزان فرهنگی پرورش یافته به‌عنوان نسل انقلابی مطلوب تلقی

شده و عمدتاً تحت تأثیر پروسه جهانی شدن فرهنگ و به اعتقاد برخی از صاحب نظران، غربی شدن فرهنگ قلمداد می شود. تیپ بندی دانشجویان مورد مطالعه حاکی از پذیرش برخی عناصری است که به لحاظ نظری جزئی از فرآیند نوگرایی محسوب می شوند. مطلوب یا نامطلوب شمردن فرآیند نوگرایی که به نوعی تغییر و تبدیل شکل و گاهی گسست از سنت های ریشه دار ملی و دینی محسوب می شود، موضوعی است که به سادگی نمی توان درباره آن قضاوت کرد و جهت گیری خاصی را تأیید یا تکذیب کرد. بر اساس ملاک های مختلف برای توسعه یافتگی فرهنگی و اجتماعی به نتایج متفاوتی نائل می شویم. این ملاک ها نیز بر اساس دیدگاه های معرفتی و جهان شناختی صاحب نظران، متفاوت، گوناگون و بلکه متضاد است.

پدیده روابط دختر و پسر واقعیتی اجتماعی است که نشان از تغییر فرهنگی در نظام کلان اجتماعی ایران دارد. هر چند این موضوع به ظاهر در یک پدیده اجتماعی، مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است، اما به لحاظ نظری و با توجه به تعاملی که بین متغیرهای مختلف اجتماعی وجود دارد می توان انتظار داشت که در سایر عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز به نوعی با روند نوگرایی بویژه نوگرایی ارزشی و گاه نوگرایی رفتاری مواجه باشیم.

روابط دوستانه و صمیمانه بین دختران و پسران جوانی که سنت های اجتماعی آنها را مورد پذیرش قرار نمی دهند منجر به عکس العمل مدیرانی می شود که پیوند قوی تری با این سنت ها دارند. پدران و مادران نیز که در مقایسه با فرزندان خود پیوستگی شدیدتری با سنت های اجتماعی دارند در برابر چنین سنت شکنی به احتمال زیاد ابراز ناخوشایندی و ناخرسندی می کنند و از این پدیده تفسیری آسیب شناختی دارند. چنین وضعیتی منجر به حرکت مدیران، پدران و مادران به سمت نظارت بیشتر بر فرزندان و احتمالاً جهت گیری فرزندان به سمت پنهان کاری می شود. نظارت مدیران به لحاظ مسئولیت و نقشی که برعهده دارند از نوع رسمی و نظارت اجتماعی والدین غیررسمی تلقی می شود. سؤال مهمی که در اینجا قابل طرح است و باید برای آن پاسخی تدارک دید این است که:

آیا باید بر روابط دانشجویان نظارت رسمی داشت و در حد ممکن از این روابط که به صورت دوستانه و صمیمانه نمود پیدا می کند جلوگیری کرد و یا در تلاش بود که به این روابط جهت داد؟ یا اینکه باید این روابط را به حال خود گذاشت؟ در صورت اعمال نظارت یا عدم اعمال نظارت رسمی پیامدهای مثبت و منفی که می توانند به بار آیند،

کدامند؟

با دو رویکرد اصلی می‌توان به این سؤال پاسخ داد. رویکردی که می‌توان آن را رویکرد سنت‌گرایانه دانست و رویکرد دوم که نوگرایانه است. سنت‌گرایی و نوگرایی در اینجا فارغ از ارزیابی ارزشی در جهت مثبت و منفی و صرفاً اصطلاحاتی جامعه‌شناختی‌اند که برای توصیف وضعیتی خاص از شیوه زندگی مردم یا فرهنگ به کار می‌روند. براساس رویکرد سنت‌گرایانه باید بر روابط صمیمانه دختران و پسران دانشجویی (و البته غیردانشجویی) اعمال نظارت رسمی (بعنوان مثال تصویب و اجرای دستورالعمل اجرایی و فعال کردن کمیته‌های انضباطی در این رابطه) و یا غیررسمی (تظیر امر به معروف و نهی از منکر) کرد. براساس رویکرد نوگرایانه نیز رابطه دانشجویان دختر و پسر از نوع روابط بین فردی و موضوعی مربوط به حوزه خصوصی زندگی ایشان است و هنگامی که این روابط دوستانه با خواست و رضایت طرفین است نمی‌توان در این عرصه وارد شد، حتی اگر شرع آن را نپذیرد.

مطمئناً نمی‌توان به نتیجه‌ای قطعی در رابطه با اینکه آیا رویکرد سنت‌گرایانه پاسخ صحیح را ارائه می‌دهد یا رویکرد نوگرایانه، دست یافت چرا که ما با سؤالی شناختی مواجه نیستیم که دارای یک پاسخ مشخص صحیح بوده و سایر پاسخ‌ها را غلط بدانیم. مسأله طرح شده، مسأله‌ای نگرشی و ارزشی است که لزوماً دارای پاسخ صحیح یا غلط نیست بلکه با توجه به معیارهایی که برای پاسخگو حائز اهمیت است نوع پاسخ صحیح یا غلط متفاوت می‌شود. پاسخ نظارت رسمی و غیررسمی برای رویکرد سنت‌گرایانه کاملاً صحیح و منطقی و برای رویکرد نوگرایانه به دور از منطق و لذا غلط محسوب می‌شود. همین وضعیت در رابطه با حذف نظارت‌های رسمی و غیررسمی بر این روابط نیز وجود دارد.

اما از دیدگاهی دیگر نیز می‌توان به سؤال طرح شده پاسخ داد و آن اینکه عمل براساس هر یک از این پاسخ‌ها به چه نتایجی ختم خواهد شد؟ با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌توان به پیش‌بینی پیامدهایی دست زد که در صورت عمل براساس هر یک از این جهت‌گیری‌ها بوقوع خواهد پیوست.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دیدگاه دانشجویان نسبت به نظارت‌های رسمی به روابط دوستانه دو جنس مخالف را می‌توان با واژه منفی یا حتی به شدت منفی توصیف کرد. میانگین محاسبه شده بر روی طیف تعریف شده برای نظارت / عدم نظارت برابر ۳/۰۷ از حداکثر مقدار ۴ بوده، در حالی که میانگین بیشتر حاکی از مخالفت بیشتر با

نظارت رسمی بوده است. میانگین محاسبه شده با حد وسط طیف دارای تفاوت معنادار و نتایج با اطمینان حداقل ۹۵٪ قابل تعمیم به کل جامعه آماری دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه صنعتی بوده است. گروه بندی افراد نشان می دهد که ۴٪ از دانشجویان بدون قید و شرط خاصی با نظارت رسمی موافق و ۶۴٪ مخالفند. بر این اساس:

۱. اگر براساس رویکرد سنت‌گرایی به سؤال طرح شده پاسخ داده شود و مطابق با آن عمل شود، این موضوع با یک مخالفت ضمنی یا آشکار تقریباً ۶۴ درصدی مواجه خواهد شد. این مخالفت به ناکارآمدی تصمیمات گرفته شده و عدم توفیق در حصول اهداف پیش‌بینی شده خواهد انجامید، ضمن آنکه نارضایتی از چنین تصمیمی می‌تواند به ناکارآمد کردن سایر تصمیمات مسئولین فرهنگی دانشگاه نیز بیانجامد. به عبارت دیگر یک گروه تقریباً با سهم دو سوم، تصمیم مبتنی بر رویکرد سنت‌گرایی را غیرمنطقی ارزیابی کرده‌اند این موضوع می‌تواند به ارزیابی این گروه نسبت به سایر تصمیمات مسئولین فرهنگی نیز اثر منفی گذارد. در مقابل، یک گروه حداقل ۴ درصد (موافقان بدون قید و شرط) یا حداکثر ۳۶ درصدی (موافقان بدون قید و شرط و موافقان مشروط) ابراز رضایت کرده و از این تصمیمات پشتیبانی خواهند کرد.

۲. اخذ تصمیم براساس رویکرد نوگرایی با مسأله طرح شده می‌تواند نتایج معکوس نسبت به آنچه در قسمت قبل ذکر شد به بار آورد: یک رضایت حداکثری (حدود دوسوم) در برابر یک عدم رضایت حداقلی (حدود یک سوم).

با طرح چند سؤال فرعی و ارائه پاسخ‌های کوتاه به هر یک از آنها و براساس جایگزین‌ها یا آلترناتیوهای ممکن سعی می‌شود به اخذ تصمیم در این باره یاری رساند:

۱. آیا ملاک تصمیم‌گیری دیدگاه اکثریت جامعه هدف است یا دیدگاه نخبگان مذهبی؟ ممکن است گفته شود که این دو دیدگاه لزوماً در برابر هم قرار نمی‌گیرند. مطمئناً اینگونه است. اما در حال حاضر با اطمینان بسیار بالایی و براساس مطالب طرح شده در:

الف) مباحث نظری پیرامون روابط زن و مرد و دختر و پسر از منظر دین و نخبگان مذهبی (قاسمی، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۱)

ب) نتایج تجربی حاصل از مطالعه انجام شده (همان: ۱۶۰-۸۳) می‌توان نتیجه گرفت که این دو در جهت خلاف یکدیگر هستند. بنابراین تنها می‌توان یک گزینه را انتخاب کرد. اگر ملاک تصمیم‌گیری دیدگاه جامعه هدف است باید براساس رویکرد

نوگرایانه تصمیم گرفت و اگر ملاک دیدگاه نخبگان مذهبی است رویکرد سنت‌گرایانه پاسخگوی سؤال است.

۲. دستیابی به هدف تا چه حد دارای اهمیت است؟ در وضعیتی که انجام تکلیف شرعی منتج به هدف نگردد چگونه باید رفتار کرد؟ اگر حصول نتیجه دارای وزن بیش از ۵۰٪ است رویکرد سنت‌گرایانه پاسخگوی سؤال طرح شده و معیار تصمیم‌گیری نخواهد بود و اگر وزن انجام تکلیف شرعی حتی بدون حصول نتیجه بیش از ۵۰٪ باشد رویکرد سنت‌گرا تعیین‌کننده نوع پاسخ و تصمیم اخذ شده خواهد بود. اخذ چنین رویکردی عمدتاً باعث تغییر شکل روابط (و نه از میان رفتن آن) از آشکار به پنهان خواهد بود.

منابع

- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۲) *ارتباط انسانی*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۳) *توصیف و تحلیلی بر روابط دانشجویان دختر و پسر*. اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۰) *ارتباط شناسی*. تهران: انتشارات سروش.
- محمدی، مجید (۱۳۸۲) *دین و ارتباطات*. تهران: انتشارات کویر.
- Bennett, Mary (2000) Levels of Measurement. *Web.indstate.edu/~datacoll.html*
- Joppe, Marion. (1999) Interval Scale. *www.ryerson.ca/~intervalscal.htm*.
- Newsom, Jason T. (1995) Types of Scales & Levels of Measurement. *www.ioa.pdx.edu/~lecture1.htm*.
- PEW Research Center. (1996) The Political Typology. *www.people-press.org /typo99rpt.htm*.
- Padjen, Chris. (1997) Typology. *www.nd.edu/theo/glossary/typology.html*.
- Ritchie, David. (1999) Analusing Quantitative Data. *Web.pdx.edu/~quantnlys.htm*.
- Woolf, Linda M. (2001) Introduction to Measurment and Statistics. *www.webster.edu/~stat.html*.